

## اهمیت مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه

هایده بهبودی / کارشناس مسئول مشاوره و مددکاری سازمان آموزش و پرورش استثنایی

### چکیده

مشارکت جدی خانواده و مدرسه همیشه مورد توجه متخصصان امر آموزش و پرورش و خانواده ها بوده است. اما گاهی مواقع عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه منجر باعث می شود ارتباط و همکاری بین خانواده و مدرسه به درستی انجام نشود در حالی که مشارکت واقعی زمانی صورت می گیرد که خانواده در امور مدرسه درگیر شوند و مدرسه نیز خانواده را همراه و همیار خود ببیند. پژوهش‌ها نشان داده است هر قدر والدین در مسائل مدرسه فرزندانشان بیشتر مشارکت داشته باشند، پیشرفت تحصیلی کودک افزایش می یابد. بنابراین، تقویت مشارکت خانواده و مدرسه از پیش نیازهای یک برنامه‌ی مؤثر است که باید مورد توجه قرار گیرد.

### مقدمه

خانواده به عنوان نهادی اجتماعی که کودک دارای نیازهای ویژه، عضوی از آن است در تحول ساختار شخصیتی، اجتماعی و عاطفی کودک نقش بسزایی دارد. جامعه شناسان، خانواده را به خاطر اهمیتی که در تشکیل فرد و آرمان‌های او دارد به عنوان گروه نخستین<sup>۱</sup> تلقی می کنند از سوی دیگر برای عده‌ی زیادی، گروه مرجع<sup>۲</sup> نیز هست و آنان اندیشه و رفتارشان را از آن می گیرند و همواره درستی یا نادرستی اندیشه و رفتار را با معیارهای

آن می‌سنجند. با این اوصاف خانواده یکی از نهادهای جامعه است که قواعد، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارهای پذیرفته شده و هماهنگی با وجدان جمعی را به افراد منتقل می کند و از این راه به انسجام و تعادل اجتماعی کمک می کند (سعیدی، ۱۳۸۲).

خانواده به عنوان نخستین مربیان کودک در آموزش و پرورش فرزندان سهم بسزایی دارد، خانواده فرد را می‌سازد و آماده ورود به مرحله‌ی دیگری (دبستان) می نماید.

امروزه مشارکت جدی خانواده‌های کودک دارای نیازهای ویژه در فرایند آموزش و توانبخشی بیش از پیش احساس می‌شود، زیرا بدون همکاری و توجه لازم پدر و مادر پیشرفت کودک با مشکل رو به رو می‌شود. آموزش مؤثر در مدارس بدون مشارکت جدی والدین نمی‌تواند به نحو شایسته‌ای صورت پذیرد و ضروری است آموزگاران و مسئولان مدرسه از محیط زندگی، فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر آن محیط آگاهی یابند تا بتوانند برنامه‌های آموزشی و توانبخشی خود را با استفاده از تجارب زندگی دانش آموزان و با همکاری والدین وی بارور نمایند.

بنابراین، با توجه به اهمیت ارتباط بین خانواده و مدرسه در حل مسائل آموزشی و توانبخشی دانش آموزان دارای نیازهای ویژه، ضروری است به شناسایی عوامل مؤثر بر ارتباط خانه و مدرسه پرداخته و در صدد رفع چالش‌ها و تهدیدهای آن باشیم.

## مفهوم مشارکت و تأثیرات آن

تا والدینی که در این گونه برنامه‌ها شرکت نمی‌کنند. نتایج وجود همبستگی مثبت بین مشارکت خانواده و موفقیت دانش‌آموز را علی‌رغم شرایط ناتوانی نشان می‌دهد. بنابراین، مشاوران مدرسه می‌توانند عامل ارتباطی و مشوق مشارکت خانواده با مدرسه باشند (حسنی، ۱۳۸۴).

مشارکت یک فراگرد سهیم کردن و سهیم شدن در کارهاست، کاری که می‌تواند به صورت‌های مختلف تجلی یابد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند مشارکت والدین در امور مدرسه موجب نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کادر آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می‌شود (البرزی، ۱۳۸۲). به نظر ویلیام و چاوکین<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) چنانچه والدین در سطوح متفاوت مشارکت، مانند تصمیم‌گیری، کار داوطلبانه، کار با کودک در خانه و ... دخالت داشته باشند، پیشرفت فرزندشان بیشتر است.

### امروزه مشارکت جدی خانواده‌های

#### کودک دارای نیازهای ویژه در فرایند آموزش و

توانبخشی بیش از پیش احساس می‌شود، زیرا بدون

همکاری و توجه لازم پدر و مادر پیشرفت کودک

با مشکل روبه‌رو می‌شود

البته در کار با والدین کودکان دارای نیازهای ویژه، به لحاظ تأثیر حضور کودک دارای نیازهای ویژه بر خانواده و واکنش‌های والدین، به اطلاعات و حمایت بیشتری نیاز است. زیرا تولد فرزند دارای نیازهای ویژه، ساز و کار جدیدی را در خانواده طلب می‌کند. این خانواده‌ها اغلب فشار روانی زیادی را متحمل می‌شوند که باعث ایجاد احساسات و واکنش‌های شدید و متضادی می‌شود که در کنار آن بهداشت روانی خانواده و روابط کودک و والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، کادر مدرسه باید با کمک والدین، آنان را در رسیدن به مراحل سازگاری یاری دهند تا فشارهایی را که خانواده متحمل می‌شود کاهش یابد این گونه نقش بسزایی در پیشرفت این کودکان و رفع نیازهایشان داشته باشند.

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است و کردار و رفتار او متأثر از آداب و رسوم و قوانین اجتماعی است، بدون تعلق به گروه، احساس امنیت و آرامش نمی‌کند. بنابراین، هنگامی که ساختار مدرسه به گونه‌ای باشد که حس متعلق بودن و یکپارچگی را آموزش دهد والدین و دانش‌آموزان می‌توانند زندگی کردن، یاری دادن و کار کردن در کنار هم را یاد بگیرند. «درک متقابل خانه و مدرسه به همکاری بیشتر، تعهد و اعتماد بین والدین و کادر مدرسه ختم می‌شود که نتیجه‌ی آن رشد تحصیلی و شناختی بیشتر شاگردان است» (هور- دمپسی و ساندرلر، ۱۹۹۷)<sup>۴</sup>.

از جانب دیگر باید توجه داشت که برای رسیدن و پرورش توانایی‌ها و استعدادها ی کودکان و پیشگیری از تعارض‌های عاطفی و روانی در بین دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه و تأمین بهداشت روانی آنها نیاز به هماهنگی، همکاری و مشارکت هرچه بیشتر والدین و مربیان است.

با توجه به ضرورت مشارکت والدین و مربیان در مراکز آموزش کودکان دارای نیازهای ویژه باید به نحوی این حلقه‌ی ارتباطی محکم‌تر شود و به والدین این اجازه داده شود تا بر آنچه که در ارتباط با مشکلات فرزندشان می‌گذرد، نظارت داشته باشند و از برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و توانبخشی آگاه شوند و از سوی دیگر خود را از آنچه که در مدرسه می‌گذرد و از مشکلاتی که در مدرسه وجود دارد، دور ندانند.

بر اساس یافته‌های پژوهشی، والدینی که در برنامه‌های مدرسه مشارکت می‌کنند، احساس مثبت‌تری نسبت به مدرسه و آموزش و پرورش کودکانشان احساس می‌کنند

آموزش و پرورش بسیار به آن پرداخته شده و به میزان زیادی از نظر حجم و تنوع افزایش یافته اما تمام مدارس آن چنانکه شایسته است از مشارکت والدین استفاده نمی‌کنند و مقوله‌ی مشارکت والدین در زمینه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در حالی که نظریه‌ی مشارکت بر این اصل مبتنی است که افراد جامعه بایستی در طراحی، اجرا و مدیریت و ارزیابی برنامه‌ها دخالت داده شوند.

مشارکت واقعی در مدرسه موقعی صورت می‌گیرد که والدین از نظر ذهنی و عاطفی درگیر شوند و به عواطف آن‌ها توجه کافی شود. برای رسیدن به این اهداف باید به شناخت انتظار والدین از مدرسه و به تفهیم انتظارات مدرسه از والدین پرداخت (معین فر، ۱۳۸۵).

والدین دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه، در کنار نیازهای خود، از تجارب و توانایی‌های زیادی برخوردارند که می‌توان آن‌ها را شناسایی و تقویت کرد و نباید به این والدین، که یکی از مهم‌ترین منبع اطلاعات درباره‌ی کودکان خود هستند بی‌توجه بود.

به نظر اسمریکا و کوتمن - وگل<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) عدم شرکت والدین، در امور مدرسه به علت عدم علاقه‌ی آنان در رشد و پیشرفت فرزندشان نیست، بلکه عواملی مانند زمان، فاصله و کارهای روزمره دخالت دارند. همچنین آنان معتقدند که والدین طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین به برقراری ارتباط با مدرسه گرایش دارند، اما به علت آنکه فکر می‌کنند نقش آنان محدود است کم‌تر خود را درگیر می‌کنند.

البته باید توجه داشت که فراهم کردن زمینه‌های مشترک در والدین نباید به صورت امری و دستوری صورت پذیرد چون افراد هنگامی به شکل واقعی در برنامه‌ها مشارکت می‌کنند که احساس کنند برنامه‌ریزان برایشان ارزش قائلند و در مورد نیازهایشان مورد مشورت

به نظر دسیمون<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) اگر متوجه شویم که چگونه ارتباطات خانواده بر یادگیری فرزندان اثرگذار است، آن وقت به برنامه‌هایی برای رشد بهتر فرزندانمان می‌اندیشیم. ساز و کاری که براساس ارتباط خانواده با مدرسه موجب می‌شود آموزگار درک بهتری از شاگرد پیدا کند و در نتیجه احساس مسئولیت بیشتری در قبال او داشته باشد از طرف دیگر دانش‌آموز نیز با توجه به ارتباط والدینش با مدرسه، انگیزه بیشتری برای مدرسه رفتن پیدا نموده و این امر خود می‌تواند منجر به افزایش یادگیری شود (البرزی، ۱۳۸۲).

**براساس یافته‌های پژوهشی، والدینی که در برنامه‌های مدرسه مشارکت می‌کنند، احساس مثبت‌تری نسبت به مدرسه و آموزش و پرورش کودکانشان احساس می‌کنند تا والدینی که در اینگونه برنامه‌ها شرکت نمی‌کنند.**

امروزه شناخت جدیدی در مورد مشارکت والدین با مدرسه به وجود آمده است، تغییر نگرش‌ها و شناخت‌های جدیدی نسبت به این موضوع، موجب آگاهی مدرسه از نقش اساسی خود در برقراری ارتباط نزدیک با خانواده شده است. امروز مدارس باید به صورت فعال در رشد ارتباطات و مشارکت‌های گروهی و متقابل با خانواده تلاش نمایند. درک متقابل این دو نهاد از یکدیگر، درک نیازها، امکانات، محدودیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر در برقراری ارتباط بسیار مؤثر است.

**عوامل مؤثر در ارتباط خانه و مدرسه و موانع آن**  
فعالیت‌ها و برنامه‌های معطوف به تقویت رابطه بین خانه و مدرسه یکی از مباحثی است که در حوزه‌ی

مدرسه موجب گرفته شدن حق اظهار وجود از دیگران می‌شود. در حالی که مدیریت مشارکت جویانه، مدرسه را متعلق به همه‌ی افراد و همه‌ی افراد را متعلق به مدرسه می‌داند و به همگان حق اظهار نظر و مشارکت در امور را می‌دهد. این روش به اعتماد، توسعه‌ی مهارت‌ها، افزایش انگیزه، خلاقیت و یافتن راه‌ها و روش‌های بهتر در انجام برنامه‌ها می‌انجامد.

شناسایی نیازها و دل‌نگرانی‌های خانوادگی و حمایت از خانواده‌های کودکان دارای نیازهای ویژه در جهت توانمند کردن آنها در زمینه‌ی پذیرش و مواجهه منطقی با موضوع «معلولیت فرزند» و نیازها و ویژگی‌های او منجر به برقراری رابطه‌ای صمیمانه میان خانه و مدرسه خواهد شد.

#### زمینه‌های مشارکت والدین با مدرسه

لازمه‌ی مشارکت همه جانبه‌ی یک جامعه، به وجود آمدن زمینه ورود نهادهای مردمی و اجتماعی در آموزش و پرورش است. از این رو، باید زمینه‌هایی را برای ایجاد یک مشارکت همگانی در آموزش و پرورش استثنایی نیز به وجود آورد.

به نظر سویک<sup>۷</sup> (۱۹۹۲) که از جمله راهبردهایی که بتوان برای ارتباط بیشتر والدین با مدرسه اشاره نمود، برگزاری هم‌اندیشی‌ها<sup>۸</sup>، دیدار از خانه‌ی شاگردان، ایجاد مراکز والدین، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌های آموزشی والدین، فعالیت‌های یادگیری و شبکه‌ی خانواده و مدرسه است که می‌تواند منجر به همکاری در قالب حمایت از سوی مدرسه و خانه شود.

بنابراین، پیوند و ارتباط مستمر والدین و مربیان آنان را در انتخاب بهترین و مؤثرترین روش‌ها در تأمین نیازها و رفع مشکلات یاری خواهد نمود. از این رو، به منظور افزایش مشارکت والدین با مدرسه موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

#### ۱. تقویت انجمن‌های والدین و مربیان: انجمن‌ها

قرار می‌گیرند. گاه برخی از والدین کودکان دارای نیازهای ویژه، تجربیات ناخوشایندی در ارتباطات اجتماعی و بهره‌مندی از منابع موجود در جامعه داشته‌اند و اغلب احساس می‌کنند تنها حامی فرزندشان هستند و از مدرسه انتظار برآوردن تمام نیازهای او را (اعم از پزشکی، اقتصادی، خدمات شغلی و حرفه‌ای و ...) دارند در حالی که مدارس نیز با محدودیت‌هایی در منابع رو به رو هستند. از این رو، درک متقابل این دو نهاد از یکدیگر و درک امکانات بسیار مؤثر است.

همچنین از جمله موانع برقراری ارتباط مؤثر میان خانواده و مدرسه می‌توان به نگرش منفی و انزوا طلبی والدین کودکان دارای نیازهای ویژه اشاره کرد که می‌توان از راه جلسات آموزش خانواده و جمع کردن والدینی که با یک مشکل مشابه درگیرند بر احساس انزوای آنها غلبه کرده و فرصتی هر چند کوتاه برای برخورداری از حمایت اجتماعی فراهم نمود. البته اگر کلاس‌های آموزش خانواده و جلسات مشاوره و مددکاری از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار باشند، نگرش مثبت نسبت به آموزش و مدرسه در والدین ایجاد می‌شود و آنها مشتاق خواهند شد تا روش‌های تربیتی درست را آموزش ببینند. همچنین باید توجه داشت که والدین به مطالب کاربردی نیاز دارند تا بتوانند در مواقع بروز مشکل از آن بهره‌مند شوند.

گاهی عدم شناخت والدین از اهداف و کارکردهای آموزگاران و سایر نیروهای آموزشگاه، منجر به کم‌رنگ شدن رابطه‌ی خانه و مدرسه می‌شود و والدین رغبت چندانی به مشارکت نشان نمی‌دهند که باید این شکاف در شناخت از بین برده شود.

از دیگر موانع برقراری رابطه‌ی خانه و مدرسه، نگرش نادرست برخی مدیران و عدم واگذاری برخی از فعالیت‌ها به والدین است. اعتقاد به خودمحوری در زمینه‌ی اداره‌ی

رفتاری کودکشان، وظیفه خود را به عنوان ولی بهتر انجام دهد. به عبارت دیگر، میانجی نقش واسطه را بین مدرسه و دانش آموز، مدرسه و خانواده و دانش آموز و خانواده بازی می کند (بازرگان، ۱۳۷۹).

مدرسه باید کانون اصلی ارائه خدمات به کودک و خانواده باشد و گروه فعالی از متخصصان مدرسه (مشاور، مددکار، گفتار درمانگر، کار درمانگر، شنوایی شناس، مسئول آموزش) نیازهای خاص کودکان و خانواده‌ها را ارزیابی کرده و متناسب با آن برنامه‌هایی تدوین کنند.

**۶. توسعه‌ی برنامه مشارکت خانواده در آموزش<sup>۱۱</sup>:** این برنامه تأکید بر این دارد که پدر و مادر، خانواده و خانه واحدهای آموزشی هستند. همچنین از مشارکت والدین می‌توان در زمینه‌ی تصمیم‌گیری برنامه‌های درسی استفاده نمود (در بسیاری از کشورها والدین نقش و تأثیر بسزایی در برنامه‌ریزی درسی مدارس دارند و حتی در پاره‌ای از کشور همچون مصر و اندونزی، حق تعیین ۲۰ تا ۳۰ درصد محتوای درسی به موجب قانون به خانواده‌ها واگذار شده است (فتحی، ۱۳۸۳).

در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت نقش خانواده به عنوان زمینه ساز رشد و شخصیت کودکان و تأثیر آن در آموزش و پرورش ضروری است نگرش مدیران و تصمیم‌گیران آموزش و پرورش از نظام آموزشی متمرکز و عدم اطمینان به همکاری گروهی (ساختار سنتی و فرسوده) و محدود شدن تعامل خانه و مدرسه به مسائل مالی به سمت تلاش برای بازآفرینی و بازسازی جو مدارس از راه برنامه‌ریزی برای تغییر نگرش در محیط و بستر سازی مشارکت همگانی تغییر یابد (البته باید توجه داشت که هرگونه تغییر ساختار اداری و آموزشی، بایستی براساس پژوهش‌های اجتماعی باشد نه برطبق سلیقه‌های شخصی).

محمل خوبی برای ایجاد روحیه‌ی تعاون و همکاری است و مدیران مدارس می‌توانند با تکیه بر اصول علمی، فلسفی و مذهبی، انجمن‌های مدارس را تقویت کرده و تصمیمات خود را بر پایه‌ی مشورت استوار سازند.

## ۲. تشکیل انجمن‌های والدین (سازمان‌های مردم نهاد):

جایی است که والدین می‌توانند خانواده‌هایی با نیازهای مشابه خودشان را ملاقات کنند و به یکدیگر کمک کرده و حمایت‌های عاطفی و نیازهای اطلاعاتی همدیگر را فراهم سازند. در این انجمن‌ها، والدین اجازه می‌یابند تا در قالب یک صدای واحد، نیازها و اهداف مورد نظر انجمن را بیان کرده و با مدیران و رهبران جامعه در میان بگذارند.

## ۳. اجرا و تصویب برنامه‌ی آموزش فردی (IEP):

فرصت دیگری است که مشاوران، آموزگاران، والدین و سایر نیروهای مدرسه می‌توانند برای بهبود نتایج آموزشی دانش‌آموزان دارای ناتوانی با یکدیگر کار کنند. در برنامه‌ی IEP والدین یکی از مهم‌ترین اعضای گروه هستند چون اطلاعات زیادی از توانایی‌ها و نیازهای فرزند خود دارند و می‌توانند پیشنهادهایی در مورد بهبود و آموزش فرزندشان در گروه ارائه کنند.

## ۴. برگزاری هم‌اندیشی و کارگاه‌های آموزشی برای

**والدین:** خانواده‌های کودکان دارای نیازهای ویژه برای برخورد درست با محدودیت‌های فرزند خود حتماً باید از آموزش‌های لازم و مستمر بهره‌مند شوند. این آموزش‌ها موجب کاهش مشکلات آنان خواهد شد.

## ۵. تقویت برنامه‌ها و خدمات پشتیبانی و حمایت از

**خانواده (ساختارهای حمایتگرانه):** وجود میانجی<sup>۹</sup> و خدمات میانجیگری<sup>۱۰</sup> در مدرسه موجب نزدیک شدن والدین به مدرسه و آگاه ساختن آنان از انتظارات، قانون‌ها و مقررات مدرسه می‌شود. میانجی به والدین کمک می‌کند تا با شناخت و نظارت بیشتر به وضع تحصیلی و

## زیر نویس ها:

- |                            |                                |
|----------------------------|--------------------------------|
| 1. Primary Group           | 7. Swick                       |
| 2. Reference Group         | 8. Seminar                     |
| 3. wiliams & shavkin       | 9. Mediator                    |
| 4. Hiver- Dempsy & sandler | 10. Mediation                  |
| 5. Desimon                 | 11. Family Involvement Program |
| 6. Smerekar & Cohen- Vogel |                                |

۱۲. این نوع آوری آموزشی توسط Merk karns و دیگران ارائه شده است (فرهنگ واژگان، عبادی ۱۳۷۹)

## منابع:

- البرزی، شهلا (۱۳۸۲). روش های نوین ارتباط والدین با مدرسه، انتشارات پژوهشکده‌ی خانواده .  
 بازرگان، زهرا (۱۳۷۹). میانجیگری در مدرسه، انتشارات مدرسه.  
 بام برگ، جولی (بی تا). مهارت های عملی برای مشاوران، (ترجمه‌ی فریبا حسنی)، انتشارات و رای دانش.  
 رییلی، سوزان (بی تا). نقش و اهمیت انجمن های والدین، (ترجمه‌ی صمد ساعی منش، ۱۳۸۲). تربیت استثنایی ۲۴-۲۵.  
 زاهدی، فریبا (۱۳۸۴). تأثیر آموزش خانواده و مشاوره بر کاهش فشارهای روانی کودکان کم توان ذهنی، تعلیم و تربیت استثنایی،  
 ۴۴.  
 سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). تبیین کارکردی رابطه خانواده و جرایم اجتماعی، انتشارات پژوهشکده‌ی خانواده.  
 علیزاده، حمید (۱۳۸۱). تأثیر فرزند معلول بر خانواده، تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۴-۱۵.  
 فتحی، کوروش (۱۳۸۳). مفهوم پردازی رویکردهای مشارکت والدین در تصمیم گیری برنامه‌ی درسی مدرسه، نخستین کنگره  
 سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران.  
 کوهانک، جین (بی تا). آموزش فراگیر و برنامه آموزش انفرادی JEP، (ترجمه‌ی بهرام روستایی، ۱۳۸۲)، تعلیم و تربیت استثنایی،  
 ۲۶-۲۷.  
 معین فر، محمود (۱۳۸۵). اصول و عوامل برقراری ارتباط میان اولیاء و مربیان، پیوند، ۳۲۴.  
 یآوری، فرشته (۱۳۷۸). بررسی نحوه‌ی مشارکت والدین در آموزشگاه های استثنایی، پایان نامه‌ی کارشناسی کودکان استثنایی.